قوم لوط فرستادگان را تکذیب کردند. (160) آنگاه برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا پروا ندارید؟ (161) من براى شما فرستاده‌اى در خور اعتمادم. (162) از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید. (163) و بر این [رسالت‌] اجرى از شما طلب نمى‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. (164) آیا از میان مردم جهان، با مردها در مى‌آمیزید؟ (165) و آنچه را پروردگارتان از همسرانتان براى شما آفریده وامى‌گذارید؟ [نه،] بلکه شما مردمى تجاوزکارید. (166) گفتند: «اى لوط، اگر دست برندارى، قطعاً از اخراج‌شدگان خواهى بود.» (167) گفت: «به راستى من دشمن کردار شمایم. (168) پروردگارا، مرا و کسان مرا از آنچه انجام مى‌دهند رهایى بخش.» (169) پس او و کسانش را همگى، رهانیدیم- (170) جز پیرزنى که از باقى‌ماندگان [در خاکستر آتش‌] بود. (171) سپس دیگران را سخت هلاک کردیم. (172) و بر [سر] آنان بارانى [از آتش گوگرد] فرو ریختیم. و چه بد بود باران بیم‌داده‌شدگان. (173) قطعاً در این [عقوبت‌] عبرتى است، و[لى‌] بیشترشان ایمان‌آورنده نبودند. (174) و در حقیقت، پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است. (175) اصحاب ایکه فرستادگان را تکذیب کردند. (176) آنگاه که شعیب به آنان گفت: «آیا پروا ندارید؟ (177) من براى شما فرستاده‌اى در خور اعتمادم. (178) از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید. (179) و بر این [رسالت‌] اجرى از شما طلب نمى‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. (180) پیمانه را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید. (181) و با ترازوى درست بسنجید. (182) و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد بر مدارید. (183)